از میان خبرها

باند «داش سیاه» عامل سرقت قطعات خودروهای سنگین

توکلی- باند سرقت قطعات و باتری خودروهای سنگین در حالی در جیرفت متلاشی شد که افزایش پرونده سرقت محتویات و قطعات خودروهای سنگین مشخص کرد که افرادی در قالب باند اقدام به سرقت می کنند. به گزارش خبرنگار ما، باتوجه به اهمیت موضوع، به دستور مقام انتظامی جیرفت، دستگیری سارقان در دستور کار ماموران قرارگاه مبارزه با سرقت این شهرستان قرار گرفت. در ادامه، ماموران دایره تجسس کلانتری ۱۵ جیرفت با انجام اقدامات اطلاعاتی و بررسی سوابق سارقان سابقه دار موفق به شناسایی باند دزدان شدند و به طور نامحسوس آنان را زیر نظر گرفتند. بنابراین گزارش، کارآگاهان پلیس در یک عملیات ضربتی سرکرده باند معروف به «داش سیاه» را به همراه دو همدستش و یک نفر مالخر دستگیر کردند که در بازرسی از منزل متهمان، مقادیری از اقلام سرقتی وسه دستگاه خودروی سواری که با آن ها اقدام به انجام سرقت می کردند، کشف شد. سرهنگ «رضا محمد رضایی» فرمانده انتظامی جیرفت با اشاره به این که این سارقان دارای سوابق متعدد کیفری هستند، گفت: متهمان پس از تحقیقات پلیسی و مواجهه با ادله و مستندات به ۱۳ فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودروهای سنگین اعتراف کردند که پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.

دستگیری شکارچی سنگدل ۱۰ راس آهو در کرمان

کرمانی- شکارچی سنگدل پس از فرار از دست ماموران با ۱۰ راس آهو به دام ماموران یگان حفاظت محیط زیست شهرستان انار کرمان افتاد. به گزارش خبرنگار ما، احمد شجاعی رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان انار گفت: ماموران یگان حفاظت محیط زیست این شهرستان با همکاری پلیس اطلاعات امنیت نیروی انتظامی و مقام قضایی موفق به دستگیری یک شکارچی حرفه ای و بی رحم شدند.

وی اظهار کرد: طی گشت زنی و کنترل مناطق آزاد دشت انار (مناطق شمش و کازه) متوجه حضور شکارچی شدیم که با تعقیب کردن و دواندن حیوان و پس از خسته کردن آن اقدام به تلف کردن حیوان کرده بود. این متخلف پس از حمل آهوی شکار شده به مخفیگاه خود به مناطق مسکونی بسیار نزدیک بود و توانست از فرصت استفاده کند و از محل متواری شود که طی عملیات اطلاعاتی محل های متعدد مخفیگاه متهم شناسایی و وی دستگیر شد. وی خاطرنشان کرد: از مخفیگاه های این متخلف، غیر از لاشه آهوی مزبور، بقایای ۹ راس آهوی شکار شده دیگر، یک دستگاه موتور سیکلت، یک قبضه اسلحه گلوله زنی برنوی غیر مجاز، یک قنداق اسلحه بدون متعلقات و تعداد دو عدد فشنگ گلوله زنی نیز کشف و ضبط شد. وی افزود: طبق ماده های ۱۱ و ۱۲ قانون شکار وصید جرم محسوب می شود که از ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس و جریمه هر حیوان تلف شده جنس نر ۲۵ میلیون تومان و جنس ماده ۷۵ میلیون تومان حسب آخرین تعرفه شورای عالی حفاظت محیط زیست در هیئت دولت تصویب شده است که متخلف باید به حساب خزانه واریز کند.

آگهی برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت توسعه تجارت مقصود (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۸۱۹۴۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۲۴۴۰۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت توسعه تجارت مقصود (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در ساعت ۹ روز دوشنبه ۱۳۹۹/۰۴/۳۰ در محل تهران خیابان ولیعصر بالاتر از پارک ساعی نبش کوچه ۳۴ پلاک ۵ طبقه دو کدپستی ۱۵۱۶۷۳۳۱۱۴ تشکیل می گردد، شرکت فرمایند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب بازرس و حسابرس جهت سال مالی ۱۳۹۹
۲- تعیین اعضاء هیئت مدیره
۳- انتخاب روزنامه کثیر الانتشار

هیئت مدیره شرکت

حکم قصاص مرد همسرکش در زندان مرکزی مشهد اجرا شد

جنایت با تیغ سوءظن!

قاتل: ضربه‌ای با چاقو به گلویش زدم که تیغه آن از سوی دیگر بیرون آمد!

اختصاصی خراسان

قاتل در حال تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی میرزایی

سجادپور- مرد ۴۵ ساله ای که سه سال قبل همسرش را به دلیل اختلافات خانوادگی به قتل رسانده بود، سپیده‌دم روز گذشته در حالی به دار مجازات آویخته شد که مدعی بود سوءظن و بی اعتمادی زندگی اش را به نابودی کشاند. به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این جنایت هولناک هفدهم شهریور سال ۹۶ زمانی لو رفت که پسر ۱۴ ساله ای هر چه با تلفن مادرش تماس می گرفت کسی پاسخ گوی تلفن نبود! پسر نوجوان که به دلیل اختلافات شدید پدر و مادرش به منزل دایی اش رفته بود تا از این هیاهوی خانوادگی دور بماند، دچار نگرانی اضطراب آمیزی شد و خیالات متفرق، افکارش را به هم ریخت. او به ناچار صبح جمعه به طرف منزل خودشان حرکت کرد که در نزدیکی منزل دایی اش بود. پسر نوجوان هراسان کلید را درون قفل منزل ویلایی ۵۰ متری چرخاند و به طرف پذیرایی دوید ولی با دیدن پیکر غرق در خون مادرش که کنار پشتی منزل قرار داشت وحشت زده فریاد کشید و با دایی اش تماس گرفت. چند دقیقه بعد و با تماس برادر مقتول، نیروهای انتظامی عازم خیابان بهمن در منطقه خواجه ربیع شدند. آنان با مشاهده وضعیت به هم ریخته منزل به حفظ صحنه حادثه پرداختند و مراتب را در غیاب قاضی میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به قاضی سیدجواد حسینی (معاون دادستان و بازپرس ویژه جرایم خاص) اطلاع دادند.

با حضور معاون دادستان مرکز خراسان رضوی در صحنه جنایت، تحقیقات قضایی و علمی در این باره آغاز شد. جسد زن ۳۴ ساله که سمیه نام داشت به صورت نیمه نشسته در کنار پشتی منزل افتاده بود و آثار جسم سخت روی سر و بریدگی زیر گلوی وی، حکایت از آن داشت که مقتول با ضربات چاقو و میله آهنی به قتل رسیده است. پاره شدن بخشی از لباس ها و خراشیدگی های روی ساعد و دستان مقتول همچنین بیانگر آن بود که بین قاتل و مقتول درگیری رخ داده است و آثار و علایم دفاعی روی پیکر مقتول خودنمایی می کرد از سوی دیگر نیز تکه های شکسته یک بشقاب و آثاری از خون روی میز تلویزیون و دیوار منزل این موضوع را تایید می کرد.

گزارش خراسان حاکی است، در حالی که سرنخ های تحقیقات جنایی به سوی اختلافات خانوادگی کشیده می شد، کشف لباس های خون آلود مردانه در اتاق خواب کوچک و تایید پسر نوجوان که پیراهن و شلوار مردانه متعلق به پدرش است، بر این فرضیه قضایی مهر تایید زد و بدین ترتیب با صدور دستوری از سوی قاضی حسینی، «جواد-الف» (مرد ۴۲ ساله) تحت تعقیب کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت اما صبح روز بعد، متهم فراری که شب را در اطراف کلانتری سپری کرده بود، خود را تسلیم قانون کرد. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، این گونه بود که ادامه رسیدگی به این پرونده جنایی را قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به عهده گرفت و بازجویی های تخصصی از متهم ۴۲ ساله در شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب آغاز شد. مرد همسرکش که تحت الحفظ نیروهای انتظامی به شعبه ویژه پرونده های جنایی هدایت شده بود، در حالی که با سوالات تخصصی قاضی میرزایی هیچ راه گریزی را تصور نمی کرد لب به اعتراف گشود و قتل همسرش را به گردن گرفت. او سپس در بازسازی صحنه جنایت هم با بیان جزئیات دیگری از ماجرای قتل همسرش با انگیزه سوءظن گفت: «سمیه» دختر دایی من بود ولی از همان روزهای آغازین دوران نامزدی با هم اختلاف داشتیم چرا که رفتارهای همسرم موجب بی اعتمادی من شده بود! وقتی فرزندم به دنیا آمد من در شهرداری استخدام شدم و زباله جمع آوری می کردم. در همین زمان هم بود که معتاد شدم و به مصرف شدید مواد مخدر روی آوردم ولی هیچ وقت درباره مواد مخدر با هم درگیری نداشتیم چرا که بسیاری از اطرافیان همسرم نیز آلوده به مواد مخدر بودند و او نمی توانست از این طریق مرا تحقیر کند!

ولی سوء ظن و بی اعتمادی از هنگامی بین ما فاصله عمیق انداخت که با یکدیگر در یک کارگاه تولید شیشه مشغول کار شدیم و او بر خلاف میل من رفتار می کرد گاهی ساعت های زیادی را در خارج از خانه به سر می برد و اعتراض های مرا نیز تحویل نمی گرفت وقتی می پرسیدم کجا بودی؟ جواب سر بالا می داد، می گفت: با دوستانم بودم! همین موضوع همواره به مشاجره و درگیری بین ما می انجامید و در نهایت «سمیه» با قهر منزل را ترک می کرد تا به خانه پدرش برود! متهم این پرونده جنایی ادامه داد: یک بار وقتی به جرم مواد مخدر دستگیر و زندانی شدم دیگر رشته زندگی هم از دستم در رفت! این اختلافات بعد از آزادی من طوری شدت گرفت که دیگر همسرم توجهی به من نداشت چند ماه قبل از این حادثه (قتل) او مهریه اش را اجرا گذاشت و از من شکایت کرد! با آن که خیلی عصبانی بودم باز هم خانه کوچکم را به نام او ثبت کردم ولی هیچ گاه مشاجرات و درگیری ما که به خاطر سوء ظن شکل گرفته بود، پایان نیافت تا این که ساعت ۱:۳۰ جمعه (هفدهم شهریور) به خانه آمد من که دیگر به شدت خشمگین شده بودم از او درباره دیرآمدنش به منزل پرسیدم اما باز هم با همان پاسخ تکراری روبه رو شدم «با دوستانم بودم!» وقتی این جمله را از زبانش شنیدم دیگر خون جلوی چشمانم را گرفت. همه درگیری های قبل مانند سکانس های فیلم از مقابل چشمانم عبور کرد. آن قدر عصبانی بودم که نمی فهمیدم چه می کنم! میله آهنی لوله آب را برداشتم و ضرباتی به سرش کوبیدم! سپس چاقوی میوه خوری را در گلویش فرو کردم طوری که تیغه آن از آن طرف بیرون زد! و خون به اطراف پاشید! در همان حال پیکر مجروح همسرم را رها کردم و با تعویض لباس های خون آلودم از منزل گریختم! تا صبح در اطراف کلانتری خواجه ربیع پرسه می زدم، تا این که خودم را از تردیدها رها کردم و تسلیم قانون شدم! الان هم بسیار پشیمانم چرا که دو فرزندم یتیم شدند و...

به گزارش اختصاصی خراسان، پس از تکمیل تحقیقات از زوایای علمی کارشناسی و قضایی و همچنین جمع آوری اسناد و مدارک محکمه پسند از سوی قاضی کاظم میرزایی، کیفرخواست این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادر شد و بدین ترتیب متهم همسرکش در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پای میز محاکمه ایستاد. قضات با تجربه این شعبه که سابقه سال ها رسیدگی به پرونده های خاص و مهم را در کارنامه قضایی خود دارند، پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه با حضور اولیای دم و وکلای مدافع، در نهایت رای به قصاص نفس «جواد-الف» دادند چرا که استدلال های قاطع قضایی در محتویات این پرونده جنایی موج می زد و متهم هیچ راه گریزی برای فرار از مجازات نداشت. این گزارش حاکی است، با تایید رای صادر شده در دیوان عالی کشور، مقدمات اجرای حکم قصاص نفس مرد ۴۵ ساله با دستور قاضی محمدرضا دشتبان (معاون اجرای احکام دادستان مرکز خراسان رضوی) فراهم شد و بدین ترتیب مرد همسرکش که با تیغ سوء ظن دست به جنایتی هولناک در مشهد زده بود، پای چوبه دار رفت و با نظارت قضات اجرای احکام، در زندان مرکزی مشهد به دار مجازات آویخته شد تا درس عبرتی باشد برای آنان که با سوء ظن های بیهوده، آبروی دیگران را به بازی می گیرند و در حالت خشم دست به رفتارهای جنایت آمیزی می زنند که فرجام آن بالای چوبه دار رقم می خورد.

زن خیانتکار عاشقش را برای قتل شوهرش اجیر کرد

کلیک واتس‌اپی یک جنایت!

اختصاصی خراسان

سجادپور- با اعترافات عاملان قتل مرد ۳۳ ساله، در حالی زوایای هولناک یک پرونده جنایی دیگر در مشهد فاش شد که ارتباط عاشقانه در شبکه اجتماعی واتس اپ به این حادثه وحشتناک منجر شده است. به گزارش اختصاصی خراسان، شب شانزدهم تیر، فریادهای مرموز زن جوانی در خیابان شاهنامه ۱۸، اهالی محل را در نیمه های شب از منازلشان بیرون کشید. زن جوان که وانمود می کرد به دنبال سرنشینان نقابدار خودرویی می دود که چند لحظه قبل از محل دور شدند، با جیغ و داد به همسایگانش گفت: «آن ها شوهرش را در خواب کشتند و فرار کردند!»

گزارش خراسان حاکی است، با حضور شبانه قاضی ویژه قتل عمد در منزل محل جنایت، تحقیقات قضایی در این باره آغاز شد. زن جوان گفت: در تاریکی شب با صدای خرخر شوهرم بیدار شدم! وقتی کلید برق را زدم، شوهرم را غرق در خون دیدم! و به طرف دو جوانی دویدم که با خودرو از محل گریختند اما اظهارات این زن دارای تناقض های زیادی بود که با فرضیه های جنایی قاضی باتجربه ویژه قتل عمد مطابقت نداشت به همین دلیل قاضی علی اکبر احمدی نژاد دستور بازداشت زن جوان را صادر کرد و او را برای انجام تحقیقات تخصصی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار داد. این زن ۲۲ ساله که سعی می کرد وقوع جنایت را به مهاجمان نقابدار ناشناس نسبت دهد در نهایت به ارتباط عاشقانه خود در فضای مجازی با جوانی متاهل به نام احسان اعتراف کرد و این گونه راز این قتل وحشتناک فاش شد. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، کارآگاهان اداره جنایی که به فرماندهی سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) وارد عمل شده بودند با انجام یک سری تحقیقات گسترده اطلاعاتی، موفق شدند احسان را دستگیر کنند. این جوان ۲۹ ساله که خود سه فرزند دختر دارد در بازجویی ها مدعی شد: از حدود سه ماه قبل در فضای مجازی با زن جوان ارتباط برقرار کردم. ولی او ادامه این ارتباط را به قتل شوهرش گره زد و گفت: باید شوهرم را به قتل برسانی! من هم با پسر خاله ام یاسین موضوع را مطرح کردم و چند بار خواستیم او را بکشیم که هر بار بنا به رخدادهای پیش بینی نشده نتوانستیم این کار را انجام بدهیم اما شب حادثه، زن جوان که یک دختر چهار ساله دارد در حیاط را باز گذاشت. من و یاسین هم با موتور سیکلت تا نزدیکی منزل آن ها رفتیم و موتور را داخل باغی گذاشتیم. وقتی به خانه رسیدیم شوهر آن زن روی تشک افتاده بود که در یک لحظه با ضربات چاقو به قفسه سینه اش حمله ور شدم و یاسین هم با آجر به سرش کوبید. بنابر گزارش خراسان، به دنبال اعترافات جوان ۲۹ ساله همدست ۲۰ ساله وی نیز دستگیر شد و آنان پس از تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی احمدی نژاد، برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره جنایی قرار گرفتند و بدین ترتیب بررسی ها زیر نظر سروان عظیمی مقدم (افسر پرونده) ادامه یافت.

عکس: اختصاصی خراسان

تصویر متهمان به قتل

مزاحم اینترنتی به قانون سپرده شد

کرمانی- مزاحم اینترنتی در حالی به قانون سپرده شد که متهم با ایجاد مزاحمت اینترنتی و ارسال پیام برای زن جوانی قصد برهم زدن زندگی اش را داشت. به گزارش خبرنگار ما، چندروز پیش زن جوانی به پلیس فتای کرمان مراجعه و با ارائه شکایتی در اظهاراتی بیان کرد، فردی ناشناس به طور دایم از طریق یکی از شبکه های اجتماعی برای او مزاحمت ایجاد می کند و قصد دارد کانون گرم زندگی اش را مختل کند که بررسی موضوع در دستور کار پلیس فتا قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، شاکی توضیح داد: فرد مزاحم با اکانت ها و آی دی های مختلف به او پیام ها و استیکرهای دوستانه ارسال می کند و آسایش روحی و روانی اش را برهم زده است. بنابراین گزارش، در حالی که شاکی پافشاری زیادی در رسیدگی به این پرونده داشت کارشناسان سایبری پلیس با انجام اقدامات فنی و تخصصی در فضای مجازی، متهم را که جوانی مجرد بود شناسایی و در ادامه وی را دستگیر کردند. سرهنگ یادگار نژاد رئیس پلیس فتای استان کرمان با بیان این که متهم در مقر انتظامی به مزاحمت خود برای این زن اعتراف کرد، افزود: متهم یکی از انگیزه های خود را دیدن تصویر آن زن در پروفایلش و در نتیجه علاقه مند شدن به او مطرح کرده است! این مسئول انتظامی اظهار کرد: وقتی شاهد چنین پرونده هایی هستیم که فردی با مشاهده عکس شخصی یک خانم در فضای مجازی می تواند برای او مزاحمت ایجاد کند و خانواده هایی به دلیل همین موضوع از هم گسیخته می شوند یا روابط سردی بین آن ها ایجاد می شود، بنابراین باید آگاه باشیم عکس شخصی خود را در معرض دید عموم قرار ندهیم و تصاویر شخصی و خصوصی خود را به اشتراک نگذاریم.

در امتداد تاریکی

قرص‌های اعتیادآور!

وقتی قرص های اعتیادآور را از داخل کیف دخترم پیدا کردم انگار دنیا روی سرم ویران شد چادرم را روی سرم انداختم و نمی‌دانم چگونه خودم را به کلانتری رساندم تا.... زن ۳۵ ساله در حالی که دریایی از اندوه، تشویش و نگرانی در چشمانش موج می‌زد به کارشناس اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: در یک خانواده پرجمعیت در حاشیه شهر مشهد متولد شدم پدرم کارگر ساختمانی و مادرم خانه دار بود در یکی از روزهای گرم تابستان هنگامی که عروسکم را در آغوش گرفته بودم و در ایوان خانه با سمیه دختر همسایه خاله بازی می کردم مادرم صدایم زد و گفت: «دخترم! پسر علی آقا را می‌پسندی یا رضا برادرزاده آقا غلام؟» برای آن که زودتر به بازی ام برسم با صدای بلند گفتم: «رضا برادرزاده آقا غلام!» این را گفتم و مشغول بازی شدم دو هفته بعد لباس عروس به تنم کردند و پای سفره عقد نشستم. آن روزها کودکی ۱۱ ساله بودم و چیزی از زندگی مشترک نمی دانستم از این که می دیدم پدر و مادرم خوشحال هستند من هم خوشحال بودم. زمان عقد مادرم تذکر داد موقع خواندن خطبه زن بیوه و دو بخته ای در اتاق نباشد! و عمه ام که خوشبخت ترین زن فامیل بود بالای سرم کله قند عروسی را ساییدو وقتی برای بار سوم جواب «بله» را به عاقد دادم تصور می کردم این هم یک بازی کودکانه همچون خاله بازی با سمیه دختر همسایه است آن روزها هیچ نمی دانستم که با گفتن این «بله» جدی ترین، مهم ترین و تلخ ترین اتفاق زندگی ام رخ خواهد داد... رضا ۹ سال از من بزرگ تر بود او گاهی وقت ها به منزلمان می آمد من هم داخل اتاق پنهان می شدم مادرم دعوایم می کرد و می گفت برو یک چای برای شوهرت بریز و کنارش بنشین! اما من از چشم های رضا می ترسیدم. اولین بار که رضا دستانم را گرفت احساس گناه کردم و تا یک هفته با او قهر بودم و خودم را در خانه زندانی کردم. دو سال بعد به خانه بخت رفتم و بعد از مدت کوتاهی باردار شدم به طوری که در سن ۱۴ سالگی مادر بودن را تجربه کردم بیتای من همچون عروسکی زیبا بود به یاد بازی های دوران کودکی ام او را در آغوش می گرفتم و برایش شعر می خواندم من در منزل مادر شوهرم زندگی می کردم خانواده شوهرم از این که نوه شان دختر بود ناراحت بودند و این ناراحتی را با رفتارها و اذیت و آزارهایشان بروز می دادند شوهرم فرزند اول خانواده اش بود او هم از این که فرزند من دختر است ناراحت بود حتی بعد از زایمان در بیمارستان به دیدن من و فرزندم نیامد. بی مهری های همسرم قلبم را شکست اما حضور دخترم رنگی تازه از عشق و امید به زندگی تیره و تارم بخشید. خلاصه دختر دومم که به دنیا آمد متوجه شدم که رضا به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده است او خمار که می شد من را به باد کتک می گرفت فرزندانم نیز از دست آزار و اذیت های او در امان نبودند چندین بار همسرم را به کمپ بردم تا ترک کند اما هر بار بعد از مدت کوتاهی دوباره مصرف مواد مخدر را آغاز می کرد وقتی قرص مواد مخدر صنعتی شد دیگر در منزل آسایش و امنیت نداشتیم چاره ای نبود جز این که با بخشیدن تمام مهریه و مطالباتم طلاق بگیرم رضا مسئولیت و حضانت نگهداری از فرزندانم را به من سپرد چون توان نگهداری از آن ها را نداشت به همراه فرزندانم در منزل پدری ام در حاشیه شهر ساکن شدم مادرم از فرزندانم مراقبت می کرد و من سر کار می رفتم بچه هایم که بزرگ تر شدند با پولی که پس انداز کرده بودم منزلی را در نزدیکی محل کارم اجاره کردم دوست نداشتم فرزندانم در محیط نامناسب و آلوده در حاشیه شهر بزرگ شوند خواستگاران زیادی داشتم اما به خاطر فرزندانم به همه آن ها پاسخ منفی دادم کم کم دخترانم بزرگ شدند. دختر بزرگم علاقه ای به ادامه تحصیل نداشت و پس از گرفتن دیپلم، ترک تحصیل کرد و دختر دومم نیز پس از پایان دوره متوسطه وارد دانشگاه شد من هم به دلیل مشکلات مالی از صبح تا شب سر کار بودم دختر بزرگ ترم نیز به امور منزل رسیدگی می کرد تا این که متوجه رفتارهای مشکوک دختر بزرگم شدم گاهی بدون اجازه من از منزل خارج می شد و مدام با گوشی تلفن همراهش مشغول بود روزی از محل کارم مرخصی گرفتم و صبح از منزل خارج شدم اما به سر کار نرفتم تا این که بعد از چند ساعت دخترم از منزل خارج شد او را تعقیب کردم دخترم به داخل پارک نزدیک خانه مان رفت و در کمال ناباوری پسری را دیدم که روی نیمکت پارک منتظرش است او با دیدن دخترم بلند شد و مدتی داخل پارک قدم زدند و صحبت می کردند من هم پشت سرشان حرکت کردم بعد از چند دقیقه از شدت ناراحتی نتوانستم خودم را کنترل کنم و به سمت آن پسر حمله ور شدم و هر چه فحش بود نثارش کردم و دست دخترم را کشیدم و با خودم به منزل بردم دخترم ابتدا شرمسار بود اما بعد گفت که قصد ازدواج با آن پسر را دارد بعد از گذشت چند روز پسر جوانی که خود را میعاد و دوست دخترم معرفی کرد با من تماس تلفنی گرفت او اظهار کرد که مدتی است با دخترم آشنا شده و قصد ازدواج با او را دارد وقتی از او خواستم که با خانواده اش به خواستگاری بیاید گفت که خانواده اش در شهر تهران زندگی می کنند خلاصه وقتی برای خواستگاری از دخترم به منزلمان آمد و صحبت هایش را شنیدم آن فرد را مناسب دخترم ندیدم از آن جایی که همسرم اعتیاد داشت از رفتارها و ظاهر میعاد شک کردم که شاید او هم معتاد باشد با دخترم حرف زدم اما او حاضر نبود حرف های من را بپذیرد و گفت تصمیمش برای ازدواج قطعی است کارم را رها کردم تا بیشتر در کنار دخترانم باشم و آن ها را کنترل کنم از میعاد خواستم که آدرس محل کار یا منزل یکی از آشنایانش در مشهد را بدهد تا در خصوص او تحقیق کنیم اما او هر بار به بهانه ای از این کار امتناع می کرد دخترم هم دیگر به حرف هایم گوش نمی داد و می گفت که میعاد را به طور کامل می شناسد و نیازی به تحقیق ندارد او حتی بدون اجازه من از منزل خارج می شد و دیروقت به خانه می آمد چیزی را از من پنهان می کرد انگار کسی تهدیدش می کرد و می ترسید حرفی بزند تا این که به طور اتفاقی از داخل کیفش این قرص ها را پیدا کردم وقتی دخترم را بازخواست کردم در حالی که اشک از چشمانش سرازیر می شد گفت: «مامان کاش زودتر تعقیبم می کردی»! شایان ذکر است به دستور سرگرد امارلو (رئیس کلانتری شفا) این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی